

مقاله پژوهشی: رویکردی راهبردی در نظام تعلیم و تربیت اسلامی با طراحی و تدوین بسته آموزشی تربیت فطرت‌محور

محسن سعیدی نژاد^۱، معصومه السادات ابطی^۲، معصومه صمدی^۳، سعید بهشتی^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۲/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۴/۲۵

چکیده

هدف این پژوهش، طراحی و تدوین بسته‌ای آموزشی مبتنی بر تربیت فطرت‌محور با رویکردی راهبردی در چارچوب نظام تعلیم و تربیت اسلامی است. مطالعه حاضر با استفاده از روش تحقیق آمیخته در دو مرحله کیفی و کمی انجام شده است. در بخش کیفی، داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه ساخت‌یافته با ۲۰ نفر از خبرگان حوزه تعلیم و تربیت اسلامی گردآوری و با روش تحلیل مضمون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در بخش کمی نیز به منظور بررسی روایی و پایایی ابزار گردآوری داده‌ها (پرسشنامه محقق ساخته)، از تحلیل محتوایی و ضریب آلفای کرونباخ بهره گرفته شد. تحلیل یافته‌های کیفی منجر به استخراج چهار مؤلفه کلیدی شامل «تربیت مبتنی بر فطرت»، «خودآگاهی»، «مسئولیت‌پذیری» و «تفکر انتقادی» گردید. نتایج بخش کمی نشان داد که ابزار پژوهش از اعتبار محتوایی و پایایی مناسب (آلفای کرونباخ ۰/۸۹) برخوردار بوده و بسته طراحی‌شده از انسجام ساختاری قابل قبولی بهره‌مند است. آنچه این پژوهش را متمایز می‌سازد، تلفیق روش‌های کیفی و کمی به منظور تولید محتوای تربیتی راهبردی و بومی‌سازی شده برای ارتقای رویکرد فطرت‌محور در نظام آموزشی کشور است.

کلیدواژه‌ها: تربیت اسلامی، تربیت فطرت‌محور، بسته آموزشی، تربیت، فطرت‌گرا.

^۱ - دانشجوی دکتری رشته فلسفه تعلیم و تربیت، گروه مطالعات تربیتی و برنامه ریزی درسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

^۲ - استادیار گروه مطالعات تربیتی و برنامه ریزی درسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)
m.abtahi2030@iaui.ac.ir

^۳ - دانشیار پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش، تهران، ایران.

^۴ - استاد گروه فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

مقدمه

در نظام آموزشی معاصر، تربیت اسلامی با چالش‌های متعددی روبه‌روست. اگرچه تأکید بر اصول تربیت دینی همواره مورد توجه بوده، اما برنامه‌های اجراشده عمدتاً فاقد چارچوبی نظام‌مند و مبتنی بر مبانی فطری انسان هستند. این نقیصه به‌ویژه در دوره حساس نوجوانی که شکل‌گیری هویت در اوج خود قرار دارد، آثار نامطلوبی بر جای می‌گذارد. پژوهش‌های متعدد نشان داده‌اند که رویکردهای رایج تربیتی، اغلب از توجه به نیازهای فطری دانش‌آموزان غافل مانده و صرفاً بر انتقال معلومات متمرکز شده‌اند.

در نظام آموزشی کنونی کشور، با وجود تأکید مکرر اسناد بالادستی و راهبردی بر ضرورت تربیت مبتنی بر مبانی اسلامی و فطرت‌محور، هنوز در عمل شاهد فقدان رویکردهای منسجم، علمی و کاربردی در این زمینه هستیم. معلمان و مربیان در مواجهه با مسائل چندبعدی تربیت نوجوانان، به‌ویژه در حوزه‌هایی چون هویت‌یابی دینی، مسئولیت‌پذیری اخلاقی و پرورش نگرش‌های معنوی، غالباً با نوعی سردرگمی عملی روبرو هستند. این وضعیت ناشی از نبود بسته‌های آموزشی جامع و راهبردی است که بتواند مفاهیم تربیت اسلامی را با تکیه بر فطرت الهی انسان، به صورت عینی و ساختارمند در محیط‌های آموزشی پیاده‌سازی کند.

بنابراین مسئله اصلی این پژوهش، فقدان چنین بسته‌های آموزشی بومی، دقیق و کارآمد است که در طراحی آن‌ها هم به اصول معرفتی و فلسفی تربیت اسلامی توجه شده باشد، و هم از قابلیت‌های اجرایی، روش‌شناسی و روان‌شناختی لازم برای بهره‌گیری توسط معلمان برخوردار باشند. این کمبود نه تنها موجب گسست میان اهداف عالی اسناد تربیتی و واقعیت‌های میدانی مدرسه شده است، بلکه باعث کاهش اثربخشی برنامه‌های تربیتی موجود و تضعیف نقش معلمان در ایفای مسئولیت‌های تربیتی‌شان گردیده است.

مرور پژوهش‌های انجام‌شده در این حوزه نشان می‌دهد که اگرچه تلاش‌هایی در جهت تبیین نظری اصول تربیت اسلامی صورت گرفته است، اما این مطالعات عموماً از دو ضعف اساسی رنج می‌برند: یا فاقد ترجمه کاربردی به زبان آموزش مدرسه‌ای هستند، یا از انسجام روشی، ساختار اجرایی و هماهنگی با شرایط بومی کلاس درس بی‌بهره‌اند. در نتیجه، برنامه‌های موجود عموماً از منظر معلمان فاقد اثربخشی لازم بوده و در عمل جایگاه قابل توجهی در نظام آموزش رسمی کشور نیافته‌اند.

از این رو، ضرورت دارد پژوهشی راهبردی صورت گیرد که با تلفیق مبانی تربیت اسلامی، اقتضائات روان‌شناختی نوجوانان، و نیازهای معلمان، مدلی آموزشی و کاربردی طراحی کند که هم از پشتوانه علمی برخوردار باشد و هم در مقام اجرا، نیازهای واقعی کلاس درس را پاسخ دهد.

هدف اصلی این پژوهش، طراحی و اعتباریابی بسته آموزشی تربیت اسلامی مبتنی بر رویکرد فطرت‌محور برای دانش‌آموزان دوره متوسطه اول است. در این راستا، پرسش‌های زیر مورد بررسی قرار می‌گیرند: مؤلفه‌های اساسی تربیت فطرت‌محور در منابع اسلامی و علمی کدامند؟ چگونه می‌توان این مؤلفه‌ها را در قالب بسته‌ای آموزشی نظام‌مند تدوین کرد؟ و سرانجام، اعتبار محتوایی و ساختاری بسته طراحی شده در چه سطحی قرار دارد؟

فرضیه اصلی پژوهش بر این مبناست که بسته آموزشی طراحی شده با تکیه بر مفاهیم فطرت، خودآگاهی، مسئولیت‌پذیری و تفکر انتقادی، می‌تواند به‌عنوان ابزاری مؤثر در نظام تربیتی مدارس مورد استفاده قرار گیرد. این پژوهش با ترکیب روش‌های کیفی و کمی، درصدد است تا الگویی نوین برای تلفیق مبانی اسلامی با نیازهای آموزشی معاصر ارائه دهد.

مبانی نظری و پیشینه‌شناسی تحقیق

پیشینه پژوهش

تربیت فطرت‌محور به عنوان یکی از رویکردهای اصلی در تربیت اسلامی، بر پایه‌ی فطرت الهی انسان استوار است. (روم، ۳۰) (آل عمران، ۶) فطرت به عنوان مجموعه‌ای از استعداد‌های ذاتی و الهی، نقش کلیدی در شکل‌گیری شخصیت و رفتارهای انسان دارد. (نهج البلاغه، خطبه ۱۸۵) (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲) این رویکرد تربیتی با تأکید بر شکوفایی استعداد‌های فطری مانند خداجویی، حقیقت‌جویی، میل به کمال و زیبایی، درصدد است تا به پرورش ابعاد مختلف شخصیت انسان کمک کند. مرور نظام‌مند مطالعات پیشین نشان می‌دهد که موضوع تربیت فطرت‌محور در سال‌های اخیر مورد توجه پژوهشگران حوزه تعلیم و تربیت قرار گرفته است. با این حال، علیرغم اهمیت این موضوع، تاکنون بسته‌های آموزشی جامع و علمی که بر مبنای تربیت فطرت‌محور طراحی شده باشند، به‌ندرت توسعه یافته‌اند. این کمبود باعث شده است که معلمان و مربیان در اجرای برنامه‌های تربیتی با چالش‌های متعددی روبرو شوند. در این بخش، پیشینه‌های پژوهشی مرتبط با موضوع پژوهش به‌ترتیب تاریخ مرور می‌گردند و در نهایت، خلأهای پژوهشی موجود نشان داده می‌شوند.

پژوهشگران در مقاله‌ای به بررسی مفهوم فطرت از دیدگاه آیت‌الله شاه‌آبادی و تأثیر آن بر نظام تربیتی اسلامی پرداخته‌اند. فطرت به عنوان یکی از مبانی مهم انسان‌شناسی اسلامی، نقش کلیدی در طراحی نظام‌های تربیتی دارد. شاه‌آبادی فطرت را به عنوان هسته اصلی ساختار روانی انسان معرفی می‌کند و آن را در قالب هرمی سه‌وجهی (علم، عشق و قدرت) توصیف می‌نماید. وی معتقد است که فطرت انسان شامل ویژگی‌هایی مانند غیراکتسابی بودن، همگانی بودن، معصومیت از خطا و ثبات است. فطرت عاشقه (عشق

به کمال) به عنوان هسته اصلی فطرت انسان معرفی شده و سایر فطریات مانند فطرت عالمه (معرفت) و فطرت حریت (آزادی‌طلبی) از آن نشئت می‌گیرند. این مقاله نشان می‌دهد که تربیت فطرت‌گرا باید بر اساس شناخت و تقویت فطریات انسان طراحی شود تا به شکوفایی کامل شخصیت او کمک کند. (همتی فر و غفاری، ۱۳۹۳)

در پژوهشی، به بررسی راهبردهای تربیت دینی از دیدگاه امام موسی صدر پرداخته شده است. امام موسی صدر نگاهی جامع به تربیت دارد و آن را تنها به تربیت دینی به معنای خاص محدود نمی‌کند، بلکه جنبه‌های مختلف انسانی و اجتماعی آن را نیز مد نظر قرار می‌دهد. این پژوهش با روش کیفی و تحلیل استنباطی انجام شده و داده‌ها از آثار و سخنان امام موسی صدر جمع‌آوری و تحلیل شده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد که راهبردهای تربیتی ایشان شامل اقناع فکری، آماده‌سازی فضا، اسوه‌سازی، دیگرپذیری، تربیت اخلاقی، و پرهیز از اجبار و تحمیل است. همچنین بر نقش خانواده، عدالت، مسئولیت‌پذیری جوانان و تقویت پیوندهای اجتماعی تأکید شده است. (بندلی‌زاده و همکاران، ۱۴۰۲)

در پژوهشی، الگوی معرفت‌شناختی آموزش فکری در دوره ابتدایی با تأکید بر رهنمودهای قرآن ارائه شده است. این تحقیق از نوع آمیخته اکتشافی بوده و با بهره‌گیری از روش‌های کیفی و توصیفی-پیمایشی انجام شده است. ابتدا با تحلیل داده‌های کیفی، شرایط زمینه‌ای آموزش فکری شناسایی گردید. نتایج نشان داد که از میان ۴۹ شاخص، ۱۱ مؤلفه اصلی قابل استخراج است. این مؤلفه‌ها در چهار دسته شناخت اثباتی، تبیینی، حقیقی و اعتباری طبقه‌بندی شده‌اند. (خزلی، ۱۴۰۳)

مرور پیشینه‌های پژوهشی نشان می‌دهد که تربیت فطرت‌محور به عنوان یک رویکرد کلیدی در تربیت اسلامی، مورد توجه بسیاری از پژوهشگران قرار گرفته است. با این حال، علیرغم وجود مطالعات متعدد در این حوزه، خلاءهای پژوهشی زیر قابل شناسایی هستند:

۱- عدم وجود بسته‌های آموزشی جامع: تاکنون بسته‌های آموزشی جامع و علمی که بر مبنای تربیت فطرت‌محور طراحی شده باشند، به‌ندرت توسعه یافته‌اند.

۲- کمبود مطالعات تجربی: بیشتر مطالعات موجود در این حوزه، ماهیت نظری دارند و مطالعات تجربی که به بررسی اثربخشی بسته‌های آموزشی مبتنی بر تربیت فطرت‌محور پرداخته باشند، کم‌شمار هستند.

۳- عدم توجه به دوره‌های حساس تربیتی: بسیاری از مطالعات موجود، به دوره‌های خاصی مانند دوره ابتدایی یا متوسطه اول توجه نکرده‌اند، در حالی که این دوره‌ها از اهمیت ویژه‌ای در شکل‌گیری شخصیت نوجوانان برخوردار هستند.

از بررسی پژوهش‌ها، خلاءهای زیر به چشم می‌خورد:

- ۱- طراحی و اعتباریابی بسته‌های آموزشی: نیاز به طراحی و اعتباریابی بسته‌های آموزشی مبتنی بر تربیت فطرت‌محور که بتوانند به‌صورت عملی در نظام آموزشی کشور مورد استفاده قرار گیرند.
- ۲- بررسی اثربخشی: نیاز به انجام مطالعات تجربی برای بررسی اثربخشی بسته‌های آموزشی طراحی شده بر متغیرهای روان‌شناختی و تربیتی دانش‌آموزان.
- ۳- توجه به دوره‌های حساس تربیتی: نیاز به انجام مطالعاتی که به طور خاص به دوره‌های حساس تربیتی مانند دوره متوسطه اول توجه کنند و برنامه‌های تربیتی متناسب با این دوره‌ها طراحی نمایند.
- ۴- با توجه به خلاءهای پژوهشی شناسایی شده، این پژوهش درصدد است تا با طراحی و اعتباریابی بسته آموزشی تربیت اسلامی بر مبنای تربیت فطرت‌محور، به پرورش این خلاءها کمک کند.

مفهوم‌شناسی متغیرها

تربیت فطرت‌محور

تربیت فطرت‌محور، رویکردی تربیتی است که اساس آن بر پذیرش وجود فطرت الهی در انسان بنا نهاده شده است. بر اساس آیه شریفه «فَطَرَتَ اللَّهُ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا» (روم: ۳۰)، فطرت به عنوان سرشت خدادادی انسان، گرایش به خیر، حقیقت، زیبایی و پرستش الهی را در نهاد هر فرد به ودیعه نهاده است. شهید مطهری (۱۳۷۸) در کتاب «فطرت»، این گرایش‌های درونی را ذاتی، تغییرناپذیر و قابل‌شناخت معرفی می‌کند که می‌توان بر پایه آن نظام تربیتی سازگاری با سرشت انسانی طراحی کرد. تربیت فطرت‌محور بدین معناست که تربیت نه تحمیل بیرونی، بلکه شکوفاسازی استعدادهای درونی و الهی انسان است.

خودآگاهی

خودآگاهی از مؤلفه‌های اساسی رشد شخصیت و بنیاد بسیاری از توانایی‌های اجتماعی و اخلاقی است. گاردنر^۱ (۲۰۰۶) در نظریه هوش‌های چندگانه، «هوش درون‌فردی» را به عنوان توانایی شناخت خود، هیجانات، انگیزش‌ها و نقاط قوت و ضعف معرفی می‌کند. در تفسیر اسلامی، نقیب‌زاده (۱۳۹۹) این مفهوم را در پیوند با اصل «معرفت نفس» مورد توجه قرار داده و آن را زیربنای سلوک تربیتی در اسلام معرفی می‌نماید.

مسئولیت‌پذیری

در نظریه رشد روانی-اجتماعی اریکسون^۱ (۱۹۶۸)، احساس مسئولیت از مراحل کلیدی رشد شخصیت به شمار می‌رود. او مرحله "ابتکار در برابر احساس گناه" و "تولید در برابر رکود" را مهم‌ترین مراحل شکل‌گیری مسئولیت اجتماعی و فردی می‌داند. خسرو باقری (۱۳۸۶) با تطبیق این دیدگاه با آموزه‌های اسلامی، مسئولیت‌پذیری را نتیجه تربیتی مهمی از اصل «تکلیف‌مداری» در دین اسلام دانسته که موجب رشد اخلاقی فرد و تقویت اراده در تصمیم‌گیری می‌شود.

تفکر انتقادی

تفکر انتقادی، توانایی تحلیل، ارزیابی و قضاوت منطقی در مواجهه با اطلاعات و باورها است. انیس^۲ (۱۹۸۵) آن را فرایندی فعال و هدفمند برای ارزشیابی باورها و اعمال تعریف می‌کند. ملکی (۱۳۸۴) با بومی‌سازی این مفهوم در چارچوب تربیت اسلامی، آن را در امتداد تفکر تأملی، تعقل قرآنی و اجتهاد معرفی می‌کند که در سنت اسلامی، تقویت عقلانیت و تصمیم‌گیری اخلاقی را هدف می‌گیرد.

چارچوب نظری پژوهش

چارچوب نظری این پژوهش، تلفیقی از آموزه‌های اسلامی و نظریه‌های روان‌شناسی تربیتی نوین است که در طراحی بسته آموزشی تربیت فطرت‌محور به کار گرفته شده‌اند. در این چارچوب، اصل بنیادین، باور به فطرت الهی انسان به‌عنوان منشأ گرایش‌های درونی به حقیقت، عدالت، خیر و کمال است. این اصل در قرآن کریم (روم: ۳۰) و آموزه‌های متفکران اسلامی نظیر شهید مطهری و علامه طباطبایی مورد تأکید قرار گرفته است.

در کنار این بنیاد اسلامی، نظریه‌های تربیتی همچون هوش‌های چندگانه گاردنر، رشد روانی — اجتماعی اریکسون و نظریه تفکر انتقادی انیس به‌عنوان نظریه‌های مکمل به کار گرفته شده‌اند. این نظریه‌ها به‌صورت تطبیقی در خدمت تقویت چهار مؤلفه کلیدی بسته آموزشی قرار گرفته‌اند:

خودآگاهی بر مبنای «هوش درون‌فردی» گاردنر و «معرفت نفس» در اسلام؛

مسئولیت‌پذیری مبتنی بر رشد شخصیت از دیدگاه اریکسون و اصل «تکلیف‌مداری» در تربیت اسلامی؛

تفکر انتقادی در چارچوب نظریه‌های معاصر و نیز عقل‌ورزی و اجتهاد در سنت دینی؛

تربیت مبتنی بر فطرت که شالوده نظری بسته را در پیوند با آیات و روایات و دیدگاه‌های شهید مطهری و امام خمینی تشکیل می‌دهد.

^۱Erikson

^۲Ennis

بنابراین، چارچوب نظری این پژوهش بر تلفیق معرفت‌شناسی اسلامی و روان‌شناسی تربیتی استوار است و هدف آن، طراحی الگویی هماهنگ با نیازهای معنوی، شناختی و اخلاقی دانش‌آموزان با تکیه بر فطرت الهی است.

مدل مفهومی پژوهش

با توجه به چارچوب نظری فوق، مدل مفهومی طراحی شده در این پژوهش به صورت زیر تدوین شده است:

عامل بنیادین:

تربیت مبتنی بر فطرت: شامل اعتقاد به فطرت الهی، گرایش ذاتی به حقیقت، خیر، زیبایی و پرستش خداوند.

چهار مؤلفه کلیدی تربیتی مشتق شده از فطرت:

خودآگاهی:^۱ شناخت خویشتن، باور به ارزشمندی نفس و جهت‌دهی درونی.

مسئولیت‌پذیری:^۲ توانایی تصمیم‌گیری آگاهانه، پذیرش پیامدها، و عمل به وظایف فردی و اجتماعی.

تفکر انتقادی:^۳ توانایی تحلیل، ارزیابی و داوری عقلانی با رویکرد ارزشی و اخلاقی.

معنویت‌گرایی فطری: گرایش درونی به تعالی و ارتباط با مبدأ هستی، که بستر شکل‌گیری سایر مؤلفه‌هاست.

خروجی مورد انتظار:

تقویت «تربیت اسلامی مبتنی بر فطرت» در محیط آموزشی از طریق بسته‌ای آموزشی که انسجام درونی، مشروعیت دینی و پشتوانه روان‌شناختی دارد.

روش‌شناسی تحقیق

این پژوهش با هدف طراحی و اعتباریابی بسته آموزشی تربیت اسلامی بر مبنای تربیت فطرت‌محور، با رویکرد آمیخته (کیفی - کمی) انجام شد.

در بخش کیفی، ۲۰ نفر از متخصصان تعلیم و تربیت اسلامی به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته گردآوری و با روش تحلیل مضمون

بررسی گردید. این مرحله به استخراج مؤلفه‌های اصلی تربیت فطرت‌محور و تدوین محتوای بسته آموزشی منجر شد.

در بخش کمی، جامعه آماری شامل ۱۰۰ نفر از معلمان و مربیان مدارس متوسطه اول بود که به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند. این افراد به صورت تصادفی در دو گروه آزمایش (۵۰ نفر) و کنترل (۵۰ نفر) جایگزین شدند. بسته آموزشی در قالب پنج جلسه ۹۰ دقیقه‌ای برای گروه آزمایش اجرا شد.

ابزار گردآوری داده‌ها شامل پرسشنامه محقق ساخته بود که روایی آن توسط خبرگان تأیید شد و پایایی آن با ضریب آلفای کرونباخ ۰٫۸۹ مطلوب ارزیابی گردید. علاوه بر پرسشنامه، مشاهدات پژوهشگر نیز برای غنای داده‌ها مورد استفاده قرار گرفت تا ابعاد رفتاری و واکنش‌های واقعی شرکت‌کنندگان در فرایند آموزش ثبت گردد.

برای تحلیل داده‌ها، در بخش کیفی از تحلیل مضمون و در بخش کمی از آزمون‌های آماری توصیفی (میانگین و انحراف معیار) و استنباطی (t مستقل و ضریب همبستگی پیرسون) با استفاده از نرم‌افزار SPSS بهره گرفته شد. ترکیب این دو روش به پژوهش امکان داد تا هم عمق مفهومی لازم را از طریق تحلیل کیفی به دست آورد و هم از نظر آماری اعتبار و کارآمدی بسته آموزشی را اثبات نماید.

نتایج نشان داد بسته آموزشی طراحی شده دارای اعتبار محتوایی و ساختاری مطلوب بوده و توانسته است تأثیر مثبتی بر تقویت ابعاد فطرت‌محور در میان معلمان و مربیان بگذارد.

یافته‌ها و تجزیه و تحلیل داده‌ها

الف: یافته‌های تحقیق

یافته‌های کیفی

در مرحله کیفی پژوهش، داده‌های حاصل از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ۲۰ نفر از متخصصان تربیتی و دینی تحلیل شدند. با استفاده از روش تحلیل مضمون، چهار مضمون اصلی و چندین مضمون فرعی مرتبط با تربیت فطرت‌محور استخراج شدند. این مضامین به شرح زیر هستند:

۱- فطرت به عنوان محور تربیت:

مضمون فرعی ۱: فطرت به عنوان هسته اصلی شخصیت انسان.

مضمون فرعی ۲: نقش فطرت در شکل‌گیری رفتارهای اخلاقی و معنوی.

۲- تقویت خودآگاهی:

مضمون فرعی ۱: خودشناسی به عنوان پایه تربیت فطرت محور.

مضمون فرعی ۲: نقش خودآگاهی در رشد شخصیت و مسئولیت پذیری.

۳- پرورش مسئولیت پذیری:

مضمون فرعی ۱: مسئولیت پذیری به عنوان یکی از اهداف تربیت فطرت محور.

مضمون فرعی ۲: روش های تقویت مسئولیت پذیری در دانش آموزان.

۴- توسعه تفکر انتقادی:

مضمون فرعی ۱: تفکر انتقادی به عنوان ابزاری برای شکوفایی فطرت.

مضمون فرعی ۲: روش های پرورش تفکر انتقادی در محیط آموزشی.

این مضامین به عنوان پایه ای برای طراحی بسته آموزشی تربیت اسلامی بر مبنای تربیت فطرت محور استفاده شدند.

۲. یافته های کمی

در مرحله کمی پژوهش، داده های حاصل از پرسشنامه های محقق ساخته با شرکت ۱۰۰ نفر از معلمان و مربیان مدارس متوسطه اول تحلیل شدند. نتایج تحلیل داده های کمی به شرح زیر است:

۱- آمار توصیفی:

میانگین سن شرکت کنندگان: ۳۷ سال.

میانگین سابقه تدریس: ۱۲ سال.

میانگین نمره اعتبار محتوایی بسته آموزشی: ۴,۲ از ۵.

میانگین نمره اعتبار ساختاری بسته آموزشی: ۴,۱ از ۵.

۲- بررسی نرمال بودن توزیع داده ها:

نتایج آزمون کولموگروف-اسمیرنوف نشان داد که توزیع داده ها نرمال است ($p > 0.05$).

۳- تحلیل استنباطی:

ضریب همبستگی پیرسون: رابطه مثبت و معناداری بین اعتبار محتوایی و ساختاری بسته

آموزشی مشاهده شد.

$$(p < 0.01, r = 0.85)$$

آزمون t مستقل: تفاوت معناداری بین میانگین نمرات اعتبار محتوایی و ساختاری در گروه آزمایش و کنترل مشاهده شد. ($p < 0.01, t = 5.67$) میانگین نمرات گروه آزمایش به طور معناداری بالاتر از گروه کنترل بود.

تحلیل واریانس: (ANOVA) تفاوت معناداری بین گروه‌ها از نظر متغیرهای جمعیت‌شناختی (سن و جنسیت) مشاهده نشد. ($p > 0.05$)

۴- تحلیل شبکه‌های موضوعی:

نتایج تحلیل شبکه‌های موضوعی با استفاده از نرم‌افزار VOSviewer نشان داد که مضامین اصلی استخراج شده (فطرت، خودآگاهی، مسئولیت‌پذیری، و تفکر انتقادی) از همبستگی مفهومی بالایی برخوردارند. این یافته‌ها تأیید می‌کنند که بسته آموزشی طراحی‌شده از نظر محتوایی و ساختاری از انسجام و یکپارچگی لازم برخوردار است.

ب: تجزیه و تحلیل یافته‌ها

یافته‌های کیفی این پژوهش بر اساس تحلیل مضمون داده‌های مصاحبه با ۲۰ نفر از متخصصان تعلیم و تربیت اسلامی استخراج شده‌اند. نتایج نشان می‌دهند که فطرت به‌عنوان عنصر اصلی در تربیت اسلامی، نقش محوری در توسعه ابعاد مختلف شخصیت انسان دارد. در این راستا، چهار مضمون اصلی شناسایی شدند که به‌طور مستقیم بر فرآیند تربیت فطرت‌محور تأثیر می‌گذارند: "محوریت فطرت در تربیت"، "تقویت خودآگاهی"، "پرورش مسئولیت‌پذیری" و "توسعه تفکر انتقادی". هر یک از این مضامین دارای ابعاد مختلفی هستند که در ادامه به تحلیل دقیق‌تر آن‌ها پرداخته می‌شود.

محوریت فطرت در تربیت: در تحلیل داده‌ها، متخصصان تربیتی به این نکته اشاره کردند که فطرت الهی انسان باید به‌عنوان هسته مرکزی تربیت قرار گیرد. این رویکرد در تربیت اسلامی، انسان را به شکوفایی کامل استعدادهای درونی خود می‌رساند. از دیدگاه ایشان، توجه به فطرت الهی در فرایند تربیتی موجب می‌شود که فرد نه تنها از جنبه‌های معنوی بلکه از لحاظ اخلاقی و اجتماعی نیز رشد کند. این یافته با مفاهیم مطرح‌شده در قرآن کریم و روایات معصومین که به فطرت به‌عنوان پایه‌ای برای رشد انسانی اشاره دارند، هم‌راستا است.

تقویت خودآگاهی: یکی دیگر از نتایج مهم پژوهش این است که متخصصان بر نقش خودآگاهی در تربیت فطرت‌محور تأکید کردند. خودآگاهی به‌عنوان توانایی درک و شناخت

ویژگی‌های فردی و رفتارها، می‌تواند به فرد کمک کند تا تصمیمات بهتری در زندگی بگیرد و در مواجهه با چالش‌ها، مسئولانه‌تر عمل کند. این یافته در راستای نظریات روان‌شناسی تربیتی است که خودآگاهی را عامل مؤثری در تقویت مهارت‌های تصمیم‌گیری و حل مسئله می‌دانند. همچنین، در منابع اسلامی نیز بر لزوم شناخت خود و هدایت آن در مسیر صحیح تأکید شده است.

پرورش مسئولیت‌پذیری: تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که پرورش مسئولیت‌پذیری در نوجوانان، یکی از اهداف اصلی تربیت فطرت‌محور است. مسئولیت‌پذیری نه تنها در بعد فردی بلکه در بعد اجتماعی نیز تأثیرگذار است. این یافته‌ها به‌ویژه در دوره‌های حساس تربیتی مانند دوره نوجوانی اهمیت پیدا می‌کنند. در این زمینه، پژوهشگران اسلامی نیز به این نکته اشاره دارند که تربیت باید به گونه‌ای باشد که فرد به مسئولیت‌های خود در قبال جامعه و خانواده آگاه شود و در راستای آن عمل کند. این جنبه از تربیت می‌تواند به کاهش مشکلات اجتماعی و رفتاری در نوجوانان کمک کند.

توسعه تفکر انتقادی: در نهایت، مهم‌ترین جنبه‌ای که در داده‌ها به آن اشاره شد، ضرورت توسعه تفکر انتقادی در نوجوانان است. تحلیل نتایج نشان می‌دهد که تفکر انتقادی به‌عنوان ابزاری برای شکوفایی فطرت انسان شناخته می‌شود. این مهارت به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا با نگاه دقیق‌تر و تحلیل‌گر به مسائل اجتماعی، دینی و علمی نگاه کنند و از این طریق توانمندی‌های عقلانی و اخلاقی خود را تقویت کنند. در این زمینه، پژوهش‌ها نیز نشان می‌دهند که تفکر انتقادی می‌تواند به فرد کمک کند تا در مواجهه با مسائل اخلاقی و اجتماعی، تصمیمات مبتنی بر اصول اخلاقی و دینی اتخاذ کند.

یافته‌های کمی این پژوهش نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. برای ارزیابی اعتبار محتوایی و ساختاری بسته آموزشی طراحی‌شده، از آزمون‌های آماری مختلفی استفاده شد. نتایج این آزمون‌ها به وضوح نشان داد که بسته آموزشی طراحی‌شده از نظر محتوایی و ساختاری دارای اعتبار بالایی است. به‌طور خاص، نتایج آزمون t مستقل نشان داد که میانگین نمرات گروه آزمایش به‌طور معناداری بالاتر از گروه کنترل است ($p < 0.01, t = 5.67$). این نتایج نشان‌دهنده این است که بسته آموزشی توانسته است تأثیر مثبتی بر درک مفاهیم فطرت‌محور و تربیتی در میان معلمان و مربیان داشته باشد.

به‌علاوه، ضریب همبستگی پیرسون نشان داد که بین اعتبار محتوایی و ساختاری بسته آموزشی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد ($p < 0.01, r = 0.85$). این نتیجه تأیید می‌کند که بسته آموزشی

طراحی شده از انسجام و یکپارچگی لازم برخوردار است و توانسته است اهداف آموزشی خود را به‌طور مؤثر منتقل کند.

ارتباط نتایج با مبانی نظری

تحلیل‌های کیفی و کمی این پژوهش با مبانی نظری مقاله کاملاً هم‌راستا هستند. در بخش مبانی نظری، به‌طور مفصل به ضرورت تربیت فطرت‌محور و نقش آن در پرورش ابعاد مختلف شخصیت انسان اشاره شد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بسته آموزشی طراحی شده نه تنها بر اساس اصول تربیت اسلامی و فطرت‌محور طراحی شده است، بلکه توانسته است تأثیر مثبتی در ارتقای مفاهیم مهمی همچون خودآگاهی، مسئولیت‌پذیری و تفکر انتقادی در بین معلمان و مربیان داشته باشد.

در مجموع، نتایج به‌دست‌آمده از تحلیل‌های کیفی و کمی این پژوهش نشان می‌دهند که تربیت فطرت‌محور به‌عنوان یک رویکرد تربیتی مؤثر، می‌تواند به پرورش ابعاد مختلف شخصیت انسان کمک کند. بسته آموزشی طراحی‌شده، با ترکیب مؤلفه‌های فطرت‌محور، خودآگاهی، مسئولیت‌پذیری و تفکر انتقادی، ابزار مناسبی برای ارتقای فرایندهای تربیتی در مدارس محسوب می‌شود. این پژوهش بر ضرورت توجه به فطرت الهی انسان و تأثیر آن در فرایند تربیت تأکید دارد و می‌تواند به‌عنوان یک الگوی عملی برای نظام‌های آموزشی مختلف مورد استفاده قرار گیرد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

یافته‌های این پژوهش نشان داد که بسته آموزشی تربیت اسلامی بر مبنای تربیت فطرت‌محور از نظر محتوایی و ساختاری از اعتبار بالایی برخوردار است. تحلیل داده‌های کیفی منجر به استخراج چهار مضمون اصلی شد: فطرت به‌عنوان محور تربیت، تقویت خودآگاهی، پرورش مسئولیت‌پذیری، و توسعه تفکر انتقادی. این مضامین به‌عنوان پایه‌ای برای طراحی بسته آموزشی استفاده شدند و در مرحله کمی، اعتبار این بسته مورد بررسی قرار گرفت. نتایج تحلیل کمی نیز نشان داد که بسته آموزشی از نظر محتوایی (میانگین = ۴,۲) و ساختاری (میانگین = ۴,۱) مورد تأیید شرکت‌کنندگان قرار گرفته است. همچنین، رابطه مثبت و معناداری بین اعتبار محتوایی و ساختاری بسته آموزشی مشاهده شد ($p < 0.01, r = 0.85$) که نشان‌دهنده انسجام و یکپارچگی بسته آموزشی است.

۱. مقایسه با پژوهش‌های پیشین

یافته‌های این پژوهش با نتایج پژوهش‌های پیشین همسو است. برای مثال، رحیمی دهگان (۱۳۹۰) نیز بر نقش فطرت به‌عنوان محور اصلی تربیت اسلامی تأکید کرده و بیان می‌کند که تربیت باید بر اساس نیازهای فطری انسان طراحی شود. همچنین، همتی فر و غفاری (۱۳۹۳) در پژوهش خود به بررسی مفهوم فطرت از دیدگاه آیت‌الله شاه‌آبادی پرداختند و تأکید کردند که فطرت به‌عنوان هسته اصلی شخصیت انسان، نقش کلیدی در طراحی نظام‌های تربیتی دارد. یافته‌های این پژوهش نیز تأیید می‌کند که فطرت به‌عنوان محور اصلی تربیت، می‌تواند به پرورش ابعاد مختلف شخصیت انسان کمک کند.

با این حال، یکی از تفاوت‌های این پژوهش با پژوهش‌های پیشین، طراحی و اعتباریابی یک بسته آموزشی جامع بر مبنای تربیت فطرت‌محور است. در حالی که بیشتر پژوهش‌های پیشین به بررسی نظری مفاهیم مرتبط با تربیت فطرت‌محور پرداخته‌اند، این پژوهش با ارائه یک بسته آموزشی عملی، گامی فراتر نهاده و امکان استفاده از این رویکرد را در نظام آموزشی کشور فراهم کرده است.

۲. جایگاه پژوهش در میان پژوهش‌های مشابه

این پژوهش از چند جهت حائز اهمیت است. اولاً، به‌عنوان یکی از اولین پژوهش‌هایی که به طراحی و اعتباریابی بسته آموزشی تربیت اسلامی بر مبنای تربیت فطرت‌محور پرداخته است، می‌تواند به عنوان الگویی برای پژوهش‌های آینده در این حوزه مورد استفاده قرار گیرد. ثانیاً، استفاده از روش تحقیق ترکیبی (کیفی و کمی) باعث شده است که یافته‌های این پژوهش از اعتبار و پایایی بالایی برخوردار باشند. ثالثاً، این پژوهش با تمرکز بر دوره متوسطه اول، به نیازهای تربیتی نوجوانان در این دوره حساس توجه کرده و برنامه‌ای جامع برای پرورش ابعاد مختلف شخصیت آن‌ها ارائه داده است.

۳. محدودیت‌های پژوهش

با وجود دستاوردهای مهم این پژوهش، برخی محدودیت‌ها نیز در انجام آن وجود داشته است:

- محدودیت نمونه‌گیری: نمونه‌گیری این پژوهش به معلمان و مربیان مدارس متوسطه اول محدود بود. بنابراین، تعمیم‌پذیری نتایج به سایر گروه‌ها (مانند دانش‌آموزان یا والدین) نیازمند پژوهش‌های بیشتر است.

- محدودیت زمانی: اجرای بسته آموزشی در این پژوهش به دلیل محدودیت‌های زمانی، تنها در یک دوره کوتاه‌مدت انجام شد. برای بررسی اثربخشی بلندمدت این بسته، نیاز به پژوهش‌های طولی است.
- محدودیت مکانی: این پژوهش در یک منطقه جغرافیایی خاص انجام شد. بنابراین، تعمیم‌پذیری نتایج به سایر مناطق نیازمند تکرار پژوهش در مناطق مختلف است.

۴. پیشنهادهای پژوهشی

- بر اساس یافته‌های این پژوهش، پیشنهادات زیر برای پژوهش‌های آینده ارائه می‌شود:
- بررسی اثربخشی بسته آموزشی بر دانش‌آموزان: پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده، اثربخشی بسته آموزشی طراحی‌شده بر متغیرهای روان‌شناختی و تربیتی دانش‌آموزان (مانند خودآگاهی، مسئولیت‌پذیری، و تفکر انتقادی) بررسی شود.
- تکرار پژوهش در سایر مقاطع تحصیلی: پیشنهاد می‌شود این پژوهش در سایر مقاطع تحصیلی (مانند دوره ابتدایی یا متوسطه دوم) نیز تکرار شود تا امکان استفاده از بسته آموزشی در سطوح مختلف آموزشی فراهم شود.
- بررسی نقش والدین در تربیت فطرت‌محور: پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آینده به بررسی نقش والدین در اجرای برنامه‌های تربیتی فطرت‌محور بپردازند.
- طراحی برنامه‌های آموزشی برای مربیان: پیشنهاد می‌شود برنامه‌های آموزشی ویژه‌ای برای مربیان طراحی شود تا آن‌ها بتوانند به صورت مؤثرتری از بسته آموزشی استفاده کنند.

۵. تجویزهای راهبردی

- ادغام بسته آموزشی در سیاست‌های کلان نظام تربیتی: پیشنهاد می‌شود بسته تربیت اسلامی مبتنی بر فطرت به عنوان یک الگوی راهبردی در تدوین برنامه‌های درسی ملی و سیاست‌های تربیتی آموزش و پرورش مورد توجه قرار گیرد تا انسجام و جهت‌گیری اسلامی در نظام آموزشی تقویت شود.
- تدوین و اجرای برنامه‌های توانمندسازی گسترده معلمان و مدیران آموزشی: طراحی دوره‌های تخصصی راهبردی جهت افزایش آگاهی، مهارت و تعهد معلمان و مدیران

نسبت به مفاهیم تربیت اسلامی مبتنی بر فطرت، با هدف تضمین پیاده‌سازی موفق و اثربخش بسته آموزشی در سطح کشور.

- ایجاد نظام پایش و ارزیابی مستمر: طراحی سازوکارهای راهبردی برای پایش، ارزیابی و بازنگری مستمر بسته آموزشی و فرآیندهای اجرایی آن در مدارس، به منظور تضمین انطباق با تحولات اجتماعی، نیازهای نسل جوان و اهداف نظام تربیتی کشور.
- گسترش همکاری‌های بین‌بخشی و بین‌سازمانی: پیشنهاد می‌شود وزارت آموزش و پرورش، سازمان‌های فرهنگی، پژوهشگاه‌های تربیتی و مراکز دینی، همکاری‌های راهبردی جهت توسعه، تکمیل و به‌روزرسانی بسته آموزشی بر اساس آخرین یافته‌های علمی و نیازهای عملی جامعه داشته باشند.
- توسعه پژوهش‌های راهبردی حوزه تربیت اسلامی: حمایت از پروژه‌های پژوهشی میان‌رشته‌ای برای بررسی تأثیرات بلندمدت پیاده‌سازی بسته بر شاخص‌های تربیتی و هویتی دانش‌آموزان، به‌منظور تقویت پشتوانه علمی و اثربخشی برنامه‌های تربیتی در سطح کلان.

منابع

الف- فارسی

- قرآن کریم
- نهج البلاغه
- باقری، خسرو. (۱۳۸۶). *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی*. تهران: انتشارات موسسه فرهنگی مدرسه برهان. جلد ۱.
- بندلی زاده، فاطمه، رضایی، صادق و ایمانی، محسن. (۱۴۰۲). راهبردها و روش های تربیت دینی از دیدگاه امام موسی صدر. *مطالعات بین رشته‌ای دانش راهبردی*، ۱۳(۵۱)، ۲۰۳-۱۸۳.
- خزلی، شمس الدین. (۱۴۰۳). ابعاد الگوی معرفت شناختی آموزش فکری دانش آموزان ابتدایی با تکیه بر رهنمودهای قرآن. *مطالعات بین رشته‌ای دانش راهبردی*، ۱۴(۵۷)، ۱۴۶-۱۱۷.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۸). *فطرت*. تهران: انتشارات صدرا.
- ملکی، حسن. (۱۳۸۴). *تعلیم و تربیت اسلامی*. تهران: عابد.
- نقیب‌زاده، میرعبدالحسین. (۱۳۹۹). *درآمدی بر فلسفه*. تهران: انتشارات طهوری.
- همتی فر، م.، و غفاری، ا. (۱۳۹۳). تعلیم و تربیت مبتنی بر فطرت (تربیت فطرت‌گرا) با تاکید بر دیدگاه آیت الله شاه‌آبادی: مدل‌سازی فطرت با هرم سه وجهی. *جستارهایی در فلسفه و کلام*، ۴۶(۲)، ۱۵۴-۱۲۷. <https://doi.org/10.22067/philosophy.v46i2.21486>

ب- انگلیسی

- Ennis, R. H. (1985). A logical basis for measuring critical thinking skills. *Educational leadership*, 43(2), 44-48.
- Erikson, E. H. (1968). *Identity: Youth and crisis* (Vol. 68). Norton.
- Gardner, H. (2006). *Multiple Intelligences: New Horizons*. BasicBooks: US.

COPYRIGHTS

2026 by the authors. Published by The National Defense University. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) <https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>